ماهنامه
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

درباره دعوت جلسه مشورتی
احزاب کمونیست و کارگری

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در جلسه مشورتی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در مسکو که در مارس سال ۱۹۶۵ تشکیل شده بود، پس از مشاورات دوجانبه با یکدیگر اعلامیه زیر را در بارهٔ دعوت جلسه مشورتی احزاب برادر منتشر ساختند. این اعلامیه در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۷ در روزنامه «پراودا» و روزنامه های ارگان سایر احزاب برادر انتشار یافته است.

«در حال حاضر عده زیادی از احزاب کمونیست و کارگری ضمن قرارهای کنگره و مقامات رهبری خود و نیز در جریان مشاوره با یکدیگر موافقت خود را با برگزاری جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری برای تحکیم وحدت جنبش کمونیستی و نیز برای پیوستگی صفوف تمام نیروهای سوسیالیستی و دموکراتیک در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه رهائی ملی و اجتماعی ملل و تأمین صلح جهانی ابراز داشته‌اند.

احزاب کمونیست و کارگری آرژانتین، اتحاد شوروی، استرالیا، ایالات متحده امریکا، ایتالیا، برزیل، بریتانیای کبیر، بلغارستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فدرال آلمان، چکوسلواکی، سوریه، فرانسه، فنلاند، لهستان، مجارستان، مغولستان، هندوستان که در جلسه مشورتی مارس ۱۹۶۵ در مسکو شرکت داشتند درباره مسئله تدارک جلسه مشاوره جهانی با یکدیگر

«بقیه در صفحه ۵»

بدعوت «کنفرانس جنبش دمکراتیک جهانی» از پانزدهم تا پانزدهم نوامبر ۱۹۶۷ کنفرانس علمی بین المللی تحت عنوان «جامعه‌شناسی سال اکتبر و مشکله کارگر جهانی» با شرکت نمایندگان بیش از هفتاد حزب کمونیستی و کارگری در شهر مسکو تشکیل گردید. بدعوت کنفدراسیون «زیور رفیق والدمش در این کنفرانس شرکت کرده و سخنرانی زیر را ایراد نمود:

برخی جهات رشد و تکامل
جنبش کارگری در ایران
و نقش آن در جنبش رهائی بخش ملی کشور ما

خصوصیات جنبش کارگری در ایران

پیدایش و رشد مناسبات سرمایه داری در ایران در شرایط نفوذ سرمایه های خارجی و سلطه مناسبات فئودالی و وجود رژیم استبدادی از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز میگردد.

نفوذ سرمایه های خارجی مانع شد که انباشت اولیه سرمایهٔ ملی در تولید صنعتی و استخراج منابع طبیعی بکار برده شود. مقدار قلیلی از آن که در نیمه دوم قرن نوزدهم در تأسیس کارخانه های صنعتی بکار برده شد بزودی بر اثر رقابت کالاهای خارجی که با کیفیتی بهتر و بهائی ارزانتر در بازار های ایران عرضه میشدند و مداخله مستقیم کشور های استعماری تاب نیاورده از بین رفتند.

با شروع دوران امپریالیسم در دنبال صدور کالا دوران صدور سرمایه در ایران

«بقیه در صفحه ۲»

یادی از جنبش ۲۱ آذر ۱۳۲۵

هر سال شاه و رژیم وی روز ۲۱ آذر تحت عنوان «روز نجات آذربایجان» مراسمی بر پا میدارند. در خود همین عنوان «نجات آذربایجان» مغلطه مهمی انجام میگیرد. آنچه که در روز ۲۱ آذر رخ داده است در آغاز پیروزی یك جنبش دموکراتیك خلقی در آذربایجان ایران و سپس سرکوب خونین آن جنبش بدست نیرو های متحد ارتجاعی و استعماری بود.

عنوان «روز نجات آذربایجان» به استناد این دعوی دروغین پیش کشیده میشود که گویا جنبش دموکراتیك آذربایجان یك جنبش تجزیه طلبانه بوده، لذا سرکوب این جنبش در حکم نجات آذربایجان از چنگ تجزیه طلبان است! جنبش دموکراتیك کارگران، دهقانان، روشنفکران، و دیگر قشرهای دموکراتیك آذربایجان ایران ماهیت تجزیه طلبانه نداشته است. دفاع حزب ما و دیگر سازمانهای میهن پرست و رجال ملی و از آنجمله دکتر مصدق از این جنبش همانا باین دلیل بود که جنبش را بانگاه تصریح مکرر رهبران آن (و از آنجمله شادروان پیشه وری) یك جنبش ایرانی، بخاطر استقلال و آزادی و ترقی ایران میدانستند. سران جنبش بار ها متذکر شدند که خواستارند حقوق حقه مردم آذربایجان درچارچوب میهن واحد ما ایران تأمین گردد. خود این واقعیت که حکومت وقت با سران جنبش وارد مذاکرهٔ رسمی شد و قرار دادی مابین آنها منعقد گردید نشانهٔ قانونیت و حقانیت خواستهای جنبش است. جنبش دموکراتیك آذربایجان منشاء اثرات مثبتی در سرنوشت مردم آذربایجان بود: تقسیم اراضی، تأمین حقوق زحمتکشان، ایجاد دانشگاه، ایجاد رادیو، آبادانی شهرها، مبارزه با بیسوادی،

«بقیه در صفحه ۶»

نامه بوروی کمیته مرکزی
بمناسبت دهمین سال رادیوی پیك ایران

به هیئت تحریریه رادیو پیك ایران

رفقای عزیز!

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بشما رفقای از جمله هیئت تحریریه رادیوی پیك ایران بمناسبت دهمین سال فعالیت پرثمر این رادیو صمیمانه شاد باش میگوید.

طی دهسال گذشته رادیوی پیك ایران نقش خطیر در روشن کردن و بسیج افکار عمومی، در افشاء رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك و انتقاد از اقدامات و نظریات هیئت حاکمه، در دفاع و معرفی جنبش رهائی بخش مردم ایران و مجاهدان و قهرمانان آن در دفاع از حقوق زحمتکشان ایران و مبارزات

«بقیه در صفحه ۶»

غرفهٔ «مردم» در «اومانیته»

رفیق فرانسوی مسئول غرفه های بین المللی در جشن «اومانیته» بعد از بازدید از غرفه ها گفت: «غرفه حزب توده ایران زیباترین غرفه بین غرفه‌های بین‌المللی جشن است.»

بیست و دومین سالگرد حکومت خلق در یوگوسلاوی

روز ۲۹ نوامبر ۱۹۶۷ بیست و دو سال از استقرار حاکمیت خلق در یوگوسلاوی میگذرد. شالوده حکومت نوین یوگوسلاوی در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۳ یعنی هنگامیکه تقریباً یك سوم خاك یوگوسلاوی از نیروهای فاشیستی پاك شده بود، در دومین اجلاس سازمان ضد فاشیستی نجات ملی یوگوسلاوی ریخته شد. دو سال بعد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۵ مجلس مؤسسان (اسکوپشینا) یوگوسلاوی در منشور مصوبه خود یوگوسلاوی را جمهوری فدراتیو توده ای اعلام کرد. بدینسان ساختمان جامعه سوسیالیستی در کشور آغاز گردید. قانون اساسی جدید مصوب سال ۱۹۶۴، که منعکس کننده تکامل سیاسی و اقتصادی کشور بود، یوگوسلاوی را جمهوری سوسیالیستی فدراتیو اعلام میکرد.

«مردم» حزب کمونیست و دولت یوگوسلاوی در جریان ساختمان جامعه

«بقیه در صفحه ۵»

دنباله از صفحه ۱

برخی جهات رشد وتکامل جنبش کارگری در ایران

آغاز میگردد . انگلستان و روسیه تزاری و کشورهای دیگر اروپائی به تحمیل فرضه‌های کمرشکن و تحصیل امتیازات و انحصار هائی در ایران و کسب حقوق (کاپیتولاسیون) نائل میگردند . باین ترتیب امپریالیسم مهمی از اقتصاد کشور را در دست میگیرند و ایران به کشوری وابسته تبدیل میگردد .

عوامل مزبور تولید صنعتی و کشاورزی را در کشور بشکل نامتجانری سوق میدهد و به تبعیت از چنین وضعی است که پروسه پیدایش و شکل گیری طبقه کارگر و جنبش کارگری در کشور ما دارای خصوصیات چندی است و ما سعی میکنیم برخی ازجهات آنرا ذیلا توضیح دهیم .

در ربع آخر قرن نوزدهم صدها هزار از دهقانان ایرانی بر اثر ظلم و فشار مالکین فئودال و آغاز پروسه قشربندی در روستا ها که بفقر و بیکاری دچار شده بودند برای جستجوی کار بنواحی قفقاز مهاجرت دائم یا موسمی نمودند با افکار سوسیال دمو کراسی در قفقاز آشنائی یافتند و نخستین ناقلین افکار مزبور به ایران بوده اند .

از سوی دیگر در مؤسسات خارجی در ایران مانند مؤسسات نفت در جنوب و در مؤسسه شیلات در شمال نخستین گروه های کارگری صنعتی در داخل کشور بوجود می آیند . باین ترتیب کارگران صنعتی در کشورما قبل از بورژوازی صنعتی پیدا میشود . کارگران صنعتی ایران در مؤسسات خارجی در داخل و در خارج کشور بوجود میآیند . این امر بخودی خود در رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران تأثیر فراوان داشته است .

سوسیال دموکراسی انقلابی در ایران

نخستین تأثیر پیوند جنبش کارگری ایران با جنبش سوسیال دموکراسی در روسیه تزاری در انقلاب مشروطیت ایران ظاهر میگردد . رهبری انقلاب در تبریز که یکی از مهمترین کانون های انقلاب مشروطیت ایران بوده است با گروه مخفی ای صورت میگرفت که از طریق کارگران مهاجر ایرانی در قفقاز با سوسیال دمو کراتهای قفقاز رابطه داشته است . در رشت کانون دیگر انقلاب مشروطیت نیز با سوسیال دمو کراتهای قفقاز رابطه نزدیک داشته است . اورژنی کیذره که از جانب سوسیال دمو کرات های قفقاز بگیلان آمده بود میانه گامهای بین الملل و کارهای سیاسی کارگران و صنعتگران تشکیل داد . در این سازمانها که اولین سازمانهای سوسیال دمو کرات در ایران بوده ایده‌های مارکسیستی میان زحمتکشان تبلیغ میشد .

طبق اسنادی که در این اواخر در مطبوعات شوروی انتشار یافته است معلوم میشود که گروههای سوسیال دمو کرات در تبریز از یك سو با یاغخانوف و از سوی دیگر با کاتوتسکی مکاتباتی رد و بدل میکردند و مشکلات خود را باراهبران آنروزی سوسیال دمو کراسی دروسیه وغرب بیان میگذاشتند باین ترتیب می‌بینیم که جنبش کارگری در ایران از همان آغاز قرن حاضر با جنبش سوسیال دمو کراسی و نهضت کارگری در روسیه تماس و پیوند نزدیك داشته است و از همین طریق است که برای نخستین بار ایده های مارکسیستی بایران راه مییابند .

ازسوی دیگر مشاهده میکنیم که جنبش کارگری در ایران از همان آغاز پیدایش خود با جنبش رهائی بخش ملی درهم‌آمیزد و کارگران ایران در جنبش رهائی بخش ملی کشور با مقام خاصی احراز میکنند و نقش مهمی در رهبری آن ایفاء مینمایند .

کارگران مهاجر ایرانی که در قفقاز دوش بدوش کارگران قفقاز و برادران ارشد روس خود در مبارزه علیه تزاریسم شرکت داشته اند در ۱۹۱۶ سازمان مستقل خودرا بنام «حزب عدالت» در باکو تشکیل دادند . رفت و آمد کارگران ایران بقفقاز و حزب عدالت سازمان سیاسی کارگران مزبور در انتقال مارکسیسم ـ لنینیسم بایران نقش مهمی را بازی کرده است .

شعب حزب عدالت در ایران در شهر های رشت ، زنجان ، آستارا و انزلی تشکیل گردید . همین حزب عدالت است که درنخستین کنگرهٔ خود در ژوئن ۱۹۲۰ نام «حزب کمونیست ایران» را بخود میگیرد .

جنبش کارگری ایران پس از انقلاب اکتبر

انقلاب اکتبر کشور ما را از خطر اضمحلال حاکمیت و استقلال نجات میدهد ، از یوغ امپریالیسم تزاری آزاد میسازد ، حکومت شوراها لغو قراردادهای اسارت بار و صرفنظر کردن از کلیه مطالبات وامتیازات خود مقدمات لازم را برای آزادی ایران از یوغ اقتصادی وسیاسی امپریالیسم فراهم ساخت .

در تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و با تشکیل حزب کمونیست ایران جنبش کارگری و رهائی بخش ملی در ایران وارد مرحلهٔ جدیدی میگردد . کمونیست های ایران که درمکتب مارکسیسم ـ لنینیسم درقفقاز تربیت یافته بودند توانستند درجنبشهای رهائی بخش ملی سالهای ۱۹۲۱ ـ ۱۹۱۸ که تحت تأثیر مستقیم انقلاب اکتبر در استانهای شمالی ایران بقیام مسلحانه علیه امپریالیسم انگلستان و استبداد شاهان قاجار تبدیل گردیده بود نقش مهمی ایفاء نمایند .

تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر جنبش کارگری در سراسر ایران سازمان مییابد . در اغلب مراکز کارگری اتحادیه های کارگری تشکیل گردید . برای نخستین بار اتحادیه کارگران معادن در تهران که شاملهٔ اعضاء آن بدو هزار میرسید در ۱۹۱۸ اعلام اعتصاب عمومی میدهد . اعتصاب با پیروزی خاتمه مییابد ، با اصل قرار داد دسته جمعی و ۸ ساعت کار موافقت میشود . اتحادیه های کارگری در تهران علاوه بر خواستهای اقتصادی دارای شعار های سیاسی نیز بوده اند . مهمترین این شعارها اخراج انگلیسها از ایران و بر کناری دولت وثوق الدوله ، عاقد قراردادی که ایران را عملا به مستعمرهٔ انگلستان تبدیل مینمود ، بوده است .

حزب کمونیست ایران از همان آغاز تأسیس خود بعضویت انترناسیونال سوم سکه لنین بزرگ آنرا بنا گذاشت پذیرفته شد .

این خود گام مهمی در تحکیم سازمانی و ایدئولوژیك جنبش کارگری ایران بوده است .

جنبش رهائی بخش ملی سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۱۸ سر کوب شد ولی اثر عمیق خود را در آگاهی خلقهای میهن ما گذاشت . تمام جریان بعدی جنبش کارگری و رهائی بخش ملی در کشور ما نشان دهندهٔ آنست که با انقلاب اکتبر عصر انقلابهای ملل ستمکش علیه امپریالیسم وارتجاع آغاز میشود، عصری که پرولتاریا بمثابه نیروی مستقل و با شعارها و حزب خود وارد صحنهٔ مبارزات سیاسی شده و به پیگیر ترین نیروهای انقلاب مبدل گشته است .

در نیمه دوم سالهای ۲۰ و سالهای ۳۰ انباشت سرمایه های دولتی و خصوصی صرف تأسیس بکمک‌ها خانعات صنایع سبك گردید. راه آهن سراتاسری ایران ساخته شد ، شماره کارگران و مراکز تجمع کارگری درایران افزایش یافت . روشنفکران تازه ای ازطبقات متوسط که با افکار مارکسیستی ـ لنینیستی آشنائی یافته بودند پیدا شدند و زمینهٔ مساعد جدیدی برای بسط نفوذ مارکسیسم ـ لنینیسم در کشور ما فراهم گردید و با آن جنبش کارگری رشد و توسعه بیشتری مییابد . اعتصابات کارگری در مؤسسات نفت خوزستان و در کارخانهٔ نساجی اصفهان تحت رهبری مستقیم حزب کمونیست ایران از صفحات درخشان تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی در این دوران است .

مرحلهٔ جدید جنبش کارگری در ایران

جنبش کارگری و رهائی بخش ملی در همان سالهای نخستین دومین جنگ‌جهانی وارد مرحله جدیدی از رونق خود میگردد . حزب توده ایران وارث سنن انقلابی خلقهای ایران بوسیله عناصر مترقی که در زندانها و تبعیدگاهها بودند تشکیل میشود و در مدت کوتاهی از چند حوزه کوچك به یك جریان عظیم اجتماعی تبدیل شده و در رأس جنبش رهائی بخش ملی خلقهای‌ایران قرار میگیرد .

در سالهای جنگ تحت رهبری حزب توده ایران بسرای نخستین بار شورای متحده مرکزی کارگران تشکیل میگردد و اکثریت مطلق کارگران ایران درصفوف آن‌متشکل میگردند موازی با تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگری ، اتحادیه دهقانی نیز تحت رهبری حزب توده ایران تشکیل گردید . باین ترتیب حزب تودهٔ ایران پس از چند سال فعالیت خود به حزب توده‌ها تبدیل گردید . طبقات و اقشار مترقی جامعهٔ ایران ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، جوانان و زنان را در سازمانهای جداگانه متشکل ساخت . کارگران و زحمتکشان ایران در این دوران بموفقیتهائی نائل شدند از جمله برای نخستین بار در ایران قانون‌کار که حقوق کارگران را تا درجه زیادی تضمین نمود به تصویب رسید .

دوران اوج و حضیض جنبش

جنبش رهائی بخش ملی در کشور ما در سالهای ۱۹۵۳ ـ ۱۹۵۱ دوباره باوج میرسد ، ایران به یکی از حلقه های ضعیف امپریالیسم در خاور میانه تبدیل شده و صنایع نفت ایران ملی‌میگردد . حزب ما نقش‌مؤثری در حوادث ملی کردن صنایع نفت درسالهای ۱۹۵۳ ـ ۱۹۵۱ داشته است . در این مرحله مانند مراحل دیگر جنبش کارگری ایران با جنبش رهائی‌بخش ملی درهم میگردد امپریالیسم و ارتجاع ایران منافع‌سیاسی و اقتصادی خودرا در خطر دیدند به کودتای اوت ۱۹۵۳ دست زدند که منجر به سقوط حکومت دکتر مصدق گردید . سازمانهای ملی و دموکراتیك از هر گونه فعالیت آزاد محروم میگردند ، ترور پلیسی بی‌سابقه ای در کشور ما حکمفرما شد و بهمه پیروزی های خلقهای ایران که در اثر مبارزات گذشته بدست آمده بود قلم بطلان کشیده شد .

خصوصیت عمدهٔ این دوران دولتی‌شدن احزاب و اتحادیه های کارگری است احزاب و اتحادیه های کارگری دولتی براثدمه ای از سازمانهای دولتی تبدیل میگردند . بسیاری‌از مزایای پیشین طبقه کارگر ایران که بر اثر مبارزات طولانی در قانون کار تصریح شده بود یکی پس از دیگری با دست بردهای پی در پی در قانون مزبور حذف میشد

مبارزه در درون اتحادیه های‌کارگری دولتی برای تبدیل اتحادیه های مزبور به اتحادیه های واقعی یکی از مبارزات اساسی کارگران ایران است .

سیاست «کارگری» رژیم کودتا

رژیم ترور و پلیسی در کشور ما مانند کشور های نظیر با یکسلسله تظاهرات عوامفریبانه نیز همراه است . مثال برجستهٔ آن قانون باصطلاح سهیم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها است . زمامداران ایران در اطراف «قانون» مزبور هیاهوی زیادی راه انداخته اند . واقعیت آنست که از دوازده هزار کارگاه و کارخانه های ایران که بیش از ده نفرکارگر دارند تنها چندصد کارخانه و کارگاه ملی از این باصطلاح قانون استفاده میکنند و سالیانه بدریافت مبلغ بسیار ناچیزی نائل شده اند . در کارخانجات دولتی و در تمام کارخانه ها و مؤسسات خارجی که مراکز عمدهٔ تجمع کارگران ایران هستند از قانون مزبور اثری نیست . «قانون» مزبور بسمدی در مبارزه‌کارگران برای افزایش مزد تبدیل شده است .

دنباله در صفحه ۵

گرایش های نوین در اقتصاد ایران و انعکاس آن در قشر بندی سرمایه داران

از خلال کنفرانسهای اتحادیه‌های بازرگانی

بررسی نتایج کنفرانسهائی که طی

چند سال اخیر در بارهٔ جواب مختلف اقتصاد کشور تشکیل شده اند نه فقط برای تعیین سیاست اقتصادی رژیم و تحولات پیش آمده در آن دارای اهمیت است، بلکه برای مشخص ساختن تحولات و گرایشهائی هم که در خود اقتصاد کشور پدید آمده است و نیز برای بررسی موفقیت و موضعگیری نیروهای اجتماعی مسلط بر سرنوشت اقتصادی وسیاسی کشور نیز حائز اهمیت فراوان است. درمیان این کنفرانسها، کنفرانسهای سالانه اصناف بازرگانی کشور مقام خاصی دارد، زیرا منعکس کننده اهم تحولات و گرایش ها و موضعگیریهاست. در کنفرانسهای اصناف بازرگانی ایران مسائل گوناگون با دامنه‌ای گسترده مطرح شده است. موقعیت و مقام بازار گانی (بویژه بازرگانی خارجی) و رشته های تولیدی (بویژه رشته‌های صنعتی) در اقتصاد کشور، تحولات و گرایش های پدید آمده در تناسبات و متناسبات آنها، دشواریها و تقاضا های بازار گانان و صاحبان صنایع و سیاست رژیم در این زمینه ها، مقام و نقش بخشهای دولتی و خصوصی (سرمایه داری دولتی و سرمایه داری خصوصی)، متناسبات و موضعگیری نمایندگان این بخشها (نمایندگان دولت و نمایندگان سرمایه‌داران)

از مهمترین مسائل مطروحه در این کنفرانس ها بوده است. بررسی این مسائل مستلزم ازجوانب ومقاطع مختلف انجام گیرد. ما فقط به بررسی خطوط کلی تحولات حاصله در بازرگانی خارجی و رابطهٔ آن با پیشرفت صنعتی کشور و انعکاس این تحولات در قشربندی بورژوازی ایران میپردازیم وبررسی مسائل دیگر را به فرصتهای دیگر موکول میکنیم.

افزایش واردات و نگرانی وارد کنندگان

واردات کشور یکی از متحرک‌ترین بخش های فعالیت

اقتصادی ایران در سالهای اخیر بوده است. چنانکه در برابر ۸ در صد افزایش سالیانه تولید ملی طی سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۴۱، واردات کشور هر ساله ۱۵ درصد افزوده شده است، یعنی آهنگ افزایش واردات کشور تقریباً دو برابر آهنگ رشد تولید ملی بوده است.

علی رغم این افزایش سریع، وارد کنندگان کالاهای خارجی از وضع کنونی و سرنوشت آتی خویش اظهار نگرانی میکنند. مثلا آقای علی اکبر محتوجی، نایب رئیس اتاق بازرگانی تهران در نخستین کنفرانس اصناف بازرگانی با اعلام اینکه «گروه کثیری که بکار وارد کردن و فروش کالاهای وارداتی مشغول بوده اند، کار خود را از دست داده اند» نگرانی همکاران خود را آشکار ساخت. در سومین کنفرانس نیز آقای مهدی مؤتمنی ضمن تأیید این حقیقت که عده نسبتاً قابل ملاحظه از کار خارج و کارهای آنها رو به کاهش است، و «عدهٔ نسبتاً زیاد که مانده هستند و همیشه از وضع

تغییرات حاصله در اقتصاد کشور

سرمایه های شرکت های بازرگانی تقریباً

۷۷ درصد سرمایه های مجموعهٔ شرکت های ایران را تشکیل میداد. در همین سال شرکتهای صنعتی (صنایع کارخانه ای) فقط ۱۲ در صد سرمایه های شرکتها را بخود تخصیص داده بودند. این ارقام تسلط بلامنازع سرمایه تجاری را بر سرمایه صنعتی در آنزمان نشان میدهد، ولی این وضع بتدریج دگرگون شد. تا سال ۱۳۴۲ سهم شرکت های بازرگانی تا ۳۳ درصد پائین آمد و درعوض سهم شرکتهای صنعتی به ۴۴ در صد بالغ گردید. بدین ترتیب طی ۲۸ سال سهم سرمایه های تجاری ۲٫۳ برابر کاهش یافت و بسهم شرکتهای صنعتی بیش از ۳٫۵ برابر افزوده شد. تغییرات حاصله درسهم رشته‌های صنعتی و بازرگانی در تولید ملی ایران نیز بالا رفتن نقش صنعت رادر قیاس با بازرگانی نشان میدهد، در سال ۱۳۴۰ صنایع (بدون نفت) و بازرگانی هر یك سهمی برابر ۹٫۳ در صد در تولید ملی داشتند. ولی در سال ۱۳۴۵ سهم صنایع به بیش از ۱۳ در صد بالغ شد و سهم بازرگانی به ۸٫۵ در صد تقلیل یافت. بدینسان سرمایه تجاری بتدریج تسلط بلا منازع خود را از دست میدهد و

فعالیت صنعتی نقش هر چه بیشتر در اقتصاد کشور بدست میآورد.

تغییرات حاصله در ترکیب واردات

پایهای پیشرفت صنعتی و بطور کلی مبنای گسترش تولید

سرمایه‌داری در ترکیب واردات ایران تغییرات قابل ملاحظه حاصل شده است. بتدریج از وزن کالا های مصرفی کاسته میشود و بسهم کالاهای سرمایه ای و مواد اولیه و نیمه‌ساخته افزوده میگردد. در سال ۱۳۴۰ کالا های مصرفی ۶۰ در صد کل واردات کشور را تشکیل میداد ولی در سال ۱۳۴۵ تقریباً به ۲۶ در صد واردات تقلیل یافت. در همین مدت سهم کالاهای سرمایه ای از ۱۷ درصد به ۲۸ در صد و سهم مواد اولیه و نیمه ساخته از ۱۸ درصد به بیش از ۴۰ درصد افزایش یافت. بطوریکه از ارقام منتشره در بارهٔ پیش بینی واردات ایران طی برنامه چهارم برمیآید، این تناسبات در پنجسال آینده با سرعت باز هم بیشتری تغییر خواهد یافت و سهم کالاهای مصرفی، مواد و کالا های سرمایه ای بر ترتیب به ۲۲٫۵، ۲۷٫۵ و ۵۰ درصد خواهد رسید. اگر چه گروه‌بندی کالاهابنحوی انجام میگیرد که بطورعلمی‌ودقیق نمیتواندمعرف‌واقعی کالاهای‌مصرفی‌ومواداولیه وکالا های سرمایه ای باشد ولی بهر حال در وجود این گرایشها نمیتوان تردید داشت. این تغییرات نشان میدهد که استروکتور اقتصادی ایران در حال تحول است و رشته های تولیدی، بویژه رشته های صنعتی بتدریج بازرگانی و در وهله اول بازرگانی خارجی را تابع مقتضیات رشد خود میسازد.

تحول در استروکتور اقتصادی ایران

تغییرات حاصله در استروکتور اقتصادی و بازرگانی

ایران تحولات معینی‌را در بورژوازی ایران باعث شده است.

گروههای معینی از بورژوازی صنعتی ایران که اکنون از لحاظ قدرت مالی نسبتاً نیرومند شده‌اند، بتدریج خود را از وابستگی به بازرگانان کمپرادور رها میسازند. ولی آنان در عین حال بعلت رشد ناهنجار و ناهماهنگ اقتصاد ایران نا گزیر باید مقادیر هنگفتی از کالا های مورد نیاز خود را از خارج وارد کنند و بطور مستقیم یا انحصارات خارجی رابطه برقرار سازند و بدین نحو خود بنوعی تولید کننده کمپرادور بدل شوند.

گروههای معینی از بازرگانان کمپرادور نیز که سرمایهٔ کافی گرد آورده‌اند برای دمساز شدن با وضع اقتصاد کشور با همان شرایط بورژوازی صنعتی به تولیدداخلی روی‌آورند و خود به کمپرادور تولید کننده بدل میشوند.

برخی دیگر از صاحبان سرمایه با استفاده از حمایت دولت از سرمایه گذاریهای خارجی‌سرمایه خودرا با سرمایه‌های انحصاری درمیآمیزند و با ایجاد سرمایه های مختلط به عامل وارد کننده سرمایه یا کمپرادور صنعتی بدل میشوند.

این سه گروه که با از لحاظ منشاء فعالیت اقتصادی خود (ابتدا بازرگان صرف و یا تولید کننده صرف بوده اند) و یا ازلحاظ نحوه ارتباط خود با انحصارات خارجی (از طریق خرید وسایل تولید، یا از طریق سهم شدن در وسایل تولید) با هم تفاوت دارند و این امر میتواند در موضعگیری آنان مؤثر باشد، بهر حال در ماهیت خود یکسانند و

«بقیه در صفحه ۴»

داخلی و بخش دولتی روبرو هستند. صنعتی شدن کشور و افزایش نقش دولت محصولات های معینی برای بازرگانان وارد کننده بوجود آورده است. از اینجاست که بازرگانان وارد کننده علیرغم افزایش سریع واردات هر چه بیشتر از «بیکاری» و «وضع بد اقتصادی بازار» مینالند و آقای خسروشاهی در دومین کنفرانس اصناف بازرگانی طلب میکند که «تحرك و قدرت بخش دولتی نباید سبب شود کار و فعالیتی که بخش خصوصی قادر باجرا و انجام آن است در انقباد و محدود کار دولت درآید» و در سومین کنفرانس از اینکه «تولید کننده و بازرگان و صادر کننده... در مرز یکدیگر داخل شده اند» شکایت میکند و «تقسیم کار بین بخشهای مختلف اقتصادی» را خواستار میشود.

از آنچه گفته شد چنین برمیآید که افزایش واردات ایران از کشورهای امریکا لیستی، اگرچه وابستگی ایران را بانحصارات خارجی حفظ کرده است، ولی در عین حال بمعنای بالا رفتن نقش بازرگانان کمپرادور در اقتصاد کشور نیست، بلکه بر عکس توأم با تضعیف مواضع آنان است.

پیشرفت صنعتی کشور باعث میشود

که میزان واردات

بعضی از کالاها بطور نسبی و یا مطلق کاهش یابد و حتی در مواردی کاملا قطع گردد. این نخستین عاملی است که موجب محدود شدن دامنه فعالیت بازرگانان وارد کننده میشود. تغییرات حاصله در ترکیب واردات بسود وسایل تولید عامل دیگری است که موجبات محدود شدن کار بازرگانان وارد کننده را فراهم میسازد. با افزایش قدرت صاحبان صنایع نقش آنان نیز در واردات کالاهای مورد نیاز این صنایع افزایش‌مییابد. امتیازاتی که دولت برای صاحبان صنایع‌بوجود آورده است (حتی در مواردی اجازهٔ وارد کردن کالا منوط بداشتن پروانه تولیدمیباشد) همراه با معافیتهای گمرکی و بخشودگی‌سود بازرگانی و غیره که برای وسایل تولید پیش بینی شده است، باعث میشود که واردات کالاهای سرمایه ای و مواد اولیه ونیمه ساخته هرچه بیشتر در دست تولید کنندگان متمرکز شود.

علاوه بر تولید کنندگان خصوصی، نقش دولت نیز در واردات کشور افزایش مییابد. در سال ۱۳۴۱ فقط ۱۲ در صد و در سال ۱۳۴۵ در حدود ۳۰ در صد ارز های وارداتی بوسیله سازمانهای دولتی وبطور عمده بوسیله سازمان برنامه و شرکت ملی نفت مصرف گردید، یعنی سهم بخش خصوصی در این مدت از ۸۸ در صد به ۷۰ در صد کاهش یافت.

بنا بر این بازرگانان کمپرادور ایران با دو رقیب بزرگ یعنی تولید کنندگان

دنباله از صفحه ۳

گرایش های نوین در اقتصاد ایران و انعکاس آن در قشر بندی سرمایه داران

قشر بورژوازی بزرگ صنعتی ایران را تشکیل میدهند.

گروههای دیگری از بازار گانان وارد کننده که رشتهٔ فعالیت آنان هنوز دچار این «نو گرائی» نشده است بمثابه قشر کمپرادور بفعالیت خود ادامه میدهند و یا برحسب شرایط نوع کالاهای وارداتی خود را تغییر میدهند.

بورژوازی بزرگ صنعتی و بورژوازی کمپرادور و نیز سرمایه داران بزرگ دیگر بعلت قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی خود قادر بهمزیستی در چارچوب تناقضات و رقابت های خاص جهان سرمایه داری هستند. در این مورد پیام اطاق صنایع و معادن که مدافع منافع تولید کنندگان بزرگ داخلی است به سومین کنفرانس اطاقهای بازرگانی شایان توجه است. در این پیام گفته میشود: «واضح است که توسعه صنایع داخلی اروپا موجب رکود و کاهش فعالیتهای بازرگانی نمیشود ... منتهی فعالیتهای بازرگانی باید با نیاز مندیهای واقعی کشور منطبق و هماهنگ شود ... بدین جهت بین صنایع و بازرگانی بجای افتراق و رقابت باید وحدت و هماهنگی برقرار شود تا از طریق همکاری متقابل صاحبان صنایع و بازرگانان منافع عالیه کشور تامین گردد ..»

رژیم موجود نیز که قشر های بالائی بورژوازی را تکیه گاه عمده اجتماعی خود قرار داده است و در تمام اقدامات خود میکوشد هم منافع بورژوازی بزرگ صنعتی و هم منافع بورژوازی کمپرادور را حفظ نماید، برای کاستن از حدت تضادهای موجود میان این دو قشر تلاشهائی بعمل میآورد. چنانکه آقای هویدا در دومین کنفرانس اطاقهای بازرگانی ایجاد کمیته مشترکی از اطاق بازرگانی تهران و اطاق صنایع و معادن را بعلت آنکه «اجرای بسیاری از وظایف قانونی که بعهدهٔ هر یک این دو اطاق محول است با منافع دیگری تماس میباید و چه بهتر که قبل از طرح با دولت در یک مرجع عالی بین تشکیلات ذینفع مورد تبادل نظر قرار بگیرد» ضروری شمرد.

در این میان خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط موقعیت خاص دارند. این قشر ها بعلت ضعف بنیه مالی راساً قادر بوارد کردن وسائل تولید خود نیستند و از این لحاظ مانند گذشته در اسارت بازرگانان کمپرادور باقی میمانند و در عین حال موجودیت آنها بعلت رقابت کالاهای وارداتی و یا محصولات صنایع بزرگ داخلی دائما در معرض خطر قرار میگیرد. اقدامات دولت نیز به نوبهٔ خود شرایط فعالیت این تولید کنندگان را دشوارتر میسازد. زیرا امتیازاتی که دولت در زمینه مالیاتها و نحوه استهلاک و معافیتهای گمرکی و بخشودگی سود بازرگانی و غیره ایجاد میکند، بطور عمده شامل سرمایه های کلان میشود و سرمایه های کوچک و متوسط عملا از آن بهره مند نمیشوند. کوششهای دولت در زمینه تشویق و تقویت شرکتهای بزرگ نیز بنوبه خود شرایط مساعد تری برای ورشکستگی خرده بورژوازی و تسلط سرمایه های بزرگ بر بورژوازی متوسط فراهم میسازد. آقای ابو القاسم خرد جو، مدیر عامل بانک توسعه صنعتی در سخنرانی خود در سومین کنفرانس اطاقهای بازرگانی ضمن تشریح تحولات حاصله در اقتصاد کشور باین نتیجه رسید که در شرایط موجود «... فقط شرکتهای بزرگ میتوانند باقی بمانند وصاحب صنعت کوچك در تنازع بقاء به نیستی رانده میشود». منافع خرده بورژوازی و بورژوازی با منافع صاحبان صنایع بزرگ و بازرگانان کمپرادور کاملا متضاد است و این قشر ها در میدان رقابت کالاهای وارداتی و یا کالا های تولید کنندگان بزرگ داخلی و درنتیجه تعدی و اجحاف بازرگانان کمپرادور دچار شکست وتجزیه میشوند و هرچه بیشتر استقلال خود را ازدست میدهند و تحت تسلط سرمایه های بزرگ قرار میگیرند.

بازرگانی خارجی — بازرگانی که بر مقدار رشد تاثیر دارد — پایهٔ تولید کالائی ساده و وابستگی ایران — بتدریج میآید، بنوبه خود به گسترش بیشتر دامنه تولید کالائی - پولی کمك میکند، ارکان مناسبات کهنه را متزلزل میسازد وشرایط لازم برای رشد تولید کالائی سرمایه داری فراهم میآورد. پیش از آنکه تولید سرمایه داری بر جامعه مسلط شود، سرمایه تجاری بطور مستقل رشد مییابد وعملا تولید را تابع خود میسازد. با پیدائش تولید سرمایه داری و بسط دامنهٔ آن، سرمایهٔ تجاری رشد مستقل خود را از دست میدهد و خود تابع سرمایه داری میگردد و بقول مارکس بعادم و عامل سرمایهٔ تولیدی بدل میشود. رشد مستقل سرمایهٔ تجاری با تکامل اقتصادی جامعه رابطهٔ معکوس دارد و این رابطه را مارکس از قانونمندیهای تکامل اقتصادی جامعه میشناسد.

تسلط تدریجی سرمایه صنعتی بر سرمایهٔ تجاری در ایران و تغییر ترکیب کالا های وارداتی بمقتضای نیازمندیهای رشد صنعتی کشور ثابتی از همین قانونمندی است. ولی چون ایران در معرض تهاجم کالاها وسرمایه های خارجی قرار دارد، در نحوهٔ بروز این قانونمندی چه در گذشته و چه درحال ویژگی های معین مشاهده میشود.

در مراحل اولیه رشد مناسبات سرمایه داری در ایران، بازرگانی کمپرادور نقش قابل ملاحظه ای در بازرگانی ایران بدست میآورد. در چنین شرایطی بازرگانی اگرچه ارکان اقتصاد طبیعی را در ایران متزلزل میسازد و پایه های تولید خانگی و پیشه وری را درهم میریزد، ولی به پیشرفت تولیدصنعتی بشیوهٔ سرمایه داری منجر نمیشود. در این دوران بازرگانی بجای آنکه شرایط لازم برای رشد تولید کالائی سرمایه داری فراهم سازد، در راه آن دشواری بوجود میآورد. در چنین شرایطی سرمایه تجاری وابسته و بازرگانان کمپرادور یکه تاز میدان اقتصاد کالائی کشور هستند.

از آنجا که هیچ نیروئی قادر بجلوگیری از تاثیر قوانین اقتصادی در جامعه نیست، نفوذ انحصارات خارجی نیز علیرغم تمام دشواریهائی که در راه رشد اقتصادی کشور بوجود میآورد، نمیتواند مانع تاثیر جبری این قوانین گردد. اقتصاد کشور بویژه تولیدصنعتی گرچه بکندی و با استواری، ولی بتدریج پیش میرود و شرایط برای پیشرفت نسبتا سریعتر تولید سرمایه داری فراهم میآید. با اینهمه رشد اقتصادی کشور در این مرحله نیز تحت فشار عوامل خارجی قرار دارد و زیر نفوذ انحصارات دول امپریالیستی انجام میگیرد.

عوامل خارجی مهر و نشان خودرا دراقتصاد کشور باقی میگذارند؛ رشد صنعتی کشور وابسته بانحصارات خارجی است و تجدیدتولید اجتماعی به طفیل تجدید تولید کشور های امپریالیستی انجام میگیرد. وابستگی کشور باعث میشود که رشد اقتصادی همه جانبه و هماهنگ انجام نگیرد و میان تولید وسائل تولید و تولید وسائل مصرف عدم تناسب فاحش بوجود آید. رژیم که خود ثمره این وابستگی است، میکوشد این ناهماهنگی و عدم تناسب را از طریق واردات کالا از کشور های امپریالیستی بر طرف سازد. تغییر ترکیب واردات کشور بسود وسائل تولید که رژیم از آن به نفع خود استفاده تبلیغاتی میکند و گماه موفق به فریب میگردد، نه فقط باین ناهماهنگی و عدم تناسب پایان نمی بخشد، بلکه بوابستگی اقتصادی کشورجنبه خطرناکتر و مهلکتر میدهد. زیرا این وسائل بطورعمده وسائل تولید کالا های مصرفی هستند. اگر در گذشته بطور عمده کالاهای مصرفی کشور در کف اختیار انحصارات بود، اکنون سرنوشت صنایع نورس و آینده جمع کثیر و روز افزون کارگران و کارمندان این صنایع به کشورهای امپریالیستی وابسته شده است. دولت برای ایجاد صنایع تولید کننده وسائل تولید (بخصوص ابزارتولید) در حدودامکانات واقعی کشور و بی نیاز ساختن ایران از کشور های امپریالیستی تقریبا گامی برنداشته است. بدیهی است که انحصارات خارجی در ایجاد صنایع سنگین و بخصوص صنایع تولید کننده ابزار تولید در ایران ذیفع نیستند و گامهائی که باتجار در این راه برمیدارند در راه ایجاد رشته های کلیدی نیست و توأم با نفوذ مستقیم سرمایه های انحصاری است.

از سوی دیگر تکیه دولت بیازرگانی وابستگی با کشورهای سوسیالیستی که برخلاف کشور های امپریالیستی آماده ایجاد صنایع حیاتی در ایران هستند، مانع استفاده کامل از امکاناتی میشود که کشورهای سوسیالیستی حاضرند در اختیار ایران بگذارند. زیرا دامنه صادرات کشور با وجود آمادگی کشور های سوسیالیستی بخرید محصولات صنعتی ایران بسیار محدود است و تکیه به بازرگانی بایهای و عدم استفاده از ارز های آزاد برای احداث صنایع سنگین بکمك کشور های سوسیالیستی عملا بمعنای ایجاد سد در راه صنعتی شدن واقعی کشور است.

سیاست رژیم که متوجه آشتی دادن منافع صاحبان صنایع بزرگ با منافع بازرگانان کمپرادور و نیز هماهنگ ساختن منافع تولید کنندگان بزرگ داخلی با منافع انحصارات امپریالیستی است، نمیتواند پاسخگوی منافع زحمتکشان و موافق مقتضیات رشد اقتصادی کشور باشد.

مسعود

قابل توجه علاقمندان به نشریات توده

با بتقاضای خوانندگان گرامی، و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. حتماً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.

۲) خوانندگان مقیم خارج ازکشور معادل ریالی بهای نشریات توده را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.

۳) خوانندگان گرامی باید نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمك کنند.

٤) مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.

نام نشریه	بها
ماهنامه مردم	۱۰ ریال
مجله دنیا	٤۰ «
مجله مسائل بین المللی	۲۰ «
مائوئیست	٤۰ «
سرمایه (هرجلد)	٤۰ «
لودویگ فویرباخ	٤۰ «
دولت و انقلاب	٤۰ «
منتخبات آثار لنین (هرجلد)	۲۰۰ «
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	۲۰ «
اصول فلسفه مارکسیسم	۲۰ «
آخرین دفاع روزیه	۲۰ «
یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی	٤۰ «
گومات	٤۰ «
خان و دیگران	۱۰ «
یادنامه شهیدان	۲۰ «
رژیم ترور و اختناق	۱۰ «
خیانت او بوشش	۲۰ «

Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank
شماره حساب بانکی
C-1265-5

دنباله از صفحه ۲

برخی جهات رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران

پیدایش قشر موسوم به « اشرافیت کارگری » خصوصیت دیگر جنبش کارگری در شرایط کنونی کشور ما است . کارگران مزبور از امتیازات زیادی برخوردارند وظیفه آنها بی محتوی کردن جنبش کارگری ودفاع وتبلیغ از رژیم موجود است . برای تکمیل مواضع این افراد نادری از این قشر در انتخابات فلانی به ارسهای مجلس ایران راه یابند و از تریبون مجلس شورای ملی برای دفاع و تجلیل رژیم استفاده می نمایند .

برخی تغییرات در سیاست رژیم

بهبود روابط و همکاری فنی و اقتصادی با کشور اتحاد شوروی عنصر جدیدی درسیاست و اقتصاد کشور ما است و مورد پشتیبانی همه جانبهٔ حزب ما قرار گرفته است . اتحادجماهیر شوروی با ساختن کارخانه ذوب آهن دراپران یکی از آزمایشهای ملی ما جامهٔ عمل میپوشاند. با ساختن کارخانه ذوب آهن پایه های اولیهٔ صنایع سنگین در کشور ما گذاشته میشود .

بطور کلی در سالهای اخیر تحرک در بسط صنایع در بخش دولتی و خصوصی پیدا شده است . سرمایه گذاری بخش دولتی بمیزان قابل توجهی بسط یافته است . از طرف کشور ما و انحصار های امپریالیستی نیز سرمایه گذاری های جدید قابل توجهی صورت گرفته است . بخش خصوصی مستقلا ویا با شرکت سرمایه های خارجی دست به یک سلسله فعالیتهای جدید صنعتی زده است.

بر اثر افزایش آهنگ سرمایه گذاری های دولتی ، خارجی و خصوصی در ایران مناسبات سرمایه داری بمیزان وسیعی توسعه ورشد مییابد . اصلاحات ارضی گرچه بسیار محدود بطور نابیگیری انجام یافته است مناسبات پرومه قشر پتنی را در روستاهای ایران تسریع کرده است . مناسبات سرمایه داری در روستا ها بسط مییابد و پایه های کولاکیسم متزلزل میگردد .

مجموع تغییرات مزبور که در جریان تکوین و تبدیل است در استرو کشور اجتماعی ایران تغییراتی میدهد که مهمترین آنها افزایش نسبی شمارهٔ کارگران ، هجوم دهقانان بشهرها وتسریع دوشقر پتنی خورده بورژازی شهر ها ، پیدایش قشر متوسط و غیره و غیره است . تغییرات مزبور تضاد های تازه ای را در جامعه ما برانگیخته است . از آنجمله تضاد بین بخش خصوصی و بخش دولتی است .

تحرک جدید در اقتصاد کشور، تغییرات در استرو کشور اجتماعی ایران ، بهبود روابط و همکاری فنی و اقتصادی با اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی هجوم جدید سرمایه های امپریالیستی تسریع پروسه قشر پتنی در روستاها و شهرها پروسه پترنج و تضادی را در رشد وتکامل اجتماعی واقتصادی ایران بوجود آورده است . پترنجی پروسه‌ای که اکنون در کشور ما میگذرد منشاء یک سلسله اشتباهات و انحرافات از چپ و یا از راست میگردد که باید همواره از آن اجتناب نمود .

ماهیت رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک است

فکر مسلم آنست که تغییرات مزبور در ماهیت ضدملی و ضددموکراتیک رژیم تغییری نداده است . راهی که رژیم میرود همان راه تسریع رشد مناسبات سرمایه‌داری درواپسگی کامل خود به سیاست و اقتصاد کشور های امپریالیستی است . تغییرات کمی مبتنی که در سیاست و اقتصاد کشور بظهور پیوسته است بآن اندازه نیست که بتواند به تغییر کیفی تبدیل شود و موجبات یک تحول بنیادی عمیق را در جامعهٔ ما فراهم آورد . تبدیل تغییرات کمی مزبور به یک تغییر کیفی مستلزم مبارزه طولانی از جانب نیرو های ملی و دمو کراتیک در جامعه ماست و بعلاوه تابع تغییرات بیشتری در تناسب نیرو ها در صحنه بین‌المللی بنفع صلح ، استقلال ، دمو کراسی و ترقی است .

شعار مرکزی ما دموکراسی است

حزب ما با مطالعه همه جانبه پروسه تحول پترنج کنونی در جامعهٔ ما شعار دمو کراتیزاسیون رژیم را مطرح کرده است. هر اصلاحی که فاقد پایه های توده ای و دمو کراتیک باشد خواه ناخواه تابیگیر و نمیتواند وسیع و ریشه دار باشد . از سوی دیگر حزب ما شعار دمو کراتیزاسیون اقتصاد کشور را از طریق اصلاح ارضی رادیکال بسود دهقانان ، بر انداختن تسلط انحصارهای امپریالیستی در اقتصاد کشور تقویت بخش دولتی و دموکراتیزه کردن اداره آن و محدودیت بخش خصوصی در یک کلمه راه رشد غیر سرمایه داری را مطرح میکند .

هم اکنون اهمیت انتخاب راه رشد در جامعه ما به یکی از مسائل روز مبدل شده است

حزب ما عقیده دارد که سیاست خارجی کشور باید در جهت واقعا دمو کراتیک سیر کند . این امر تنها با خروج از سنتو و نقو قرار داد های نظامی دیگر و اتخاذ سیاست بیطرفی و بسط همکاری با کشور های سوسیالیستی و با همه کشور هائی که در راه صلح ، استقلال ، دمو کراسی و ترقی مبارزه میکنند امکان پذیر است .

در جنبش جهانی کمونیستی وکارگری حزب ما شیوهٔ خرابکارانه و انشعابگرانه گروه مائوته دونگ را محکوم میکند ، به اسناد مصوب جلسات مشاوره نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ وفادار است و معتقد است که احیاء و استحکام وحدت درصفوف جنبش کمونیستی و کارگری تنها از طریق تشکیل جلسه مشاوره جدیدی امکان پذیر است .

برخی نتیجه گیری ها

تغییراتی که در نیم قرن اخیر از بر کت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در جهان

دنباله از صفحه ۱

در باره دعوت جلسه مشورتی احزاب کمونیست و کارگری

مشاورات دو جانبه بعمل آوردند .

احزاب مزبور بر پایه این مشاورات و بر وفق نظریات و تمایلاتی که در جلسه‌مارس ۱۹۶۵ ابراز شده بود بر گزاری یك جلسهٔ مشورتی را در فوریه سال۱۹۶۸ برای تبادل نظر جمعی در باره مسئله دعوت جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری سودمند شمرده‌اند . ما تمام احزاب برادر را به‌پشتیبانی از ابتکار دعوت جلسه مشورتی و شر کت در آن میخوانیم .

احزاب ما از کمیته مر کزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان تقاضا کرده‌اند امکان بر گزاری جلسه مشورتی را در بودایست فراهم‌سازد . کمیته مر کزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان با این تقاضا موافقت کرده است و برای احزاب برادر دعوتنامه ارسال خواهدداشت .

* * *

رهبری حزب توده ایران ضمن اسناد مصوبه‌خودداز جمله در « نامه کمیته‌مر کزی حزب توده ایران به کمیته مر کزی حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره تشکیل جلسه مشاوره احزاب برادر » منتشره در شماره۸۹ دوره پنجم‌روزنامه « مردم » مورخ ۱۱شهریور ۱۳۴۳ (۶ سپتامبر ۱۹۶۴) و « اعلامیه بوروی کمیته مر کزی درباره اعلامیه جلسه مشورتی‌نمایندگان نوزده حزب » مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۴ منتشره در شمارهٔ یکم « ماهنامه مردم » و همچنین در مطبوعات حزبی‌ودر اظهارات‌رسمی نمایندگان مسئول خود بارهاضرورت‌تشکیل جلسه مشاوره‌جهانی جدید احزاب کمونیست و کارگری را برای تحکیم جنبش جهانی کمونیستی و اتخاذ مواضع مشترك در مبارزه علیه امپریالیسم و درراه نیل‌به‌هدفهای‌مشترك تأیید کرده است.

در « نامه کمیته مر کزی حزب‌توده ایران به کمیته مر کزی‌حزب کمونیست‌اتحاد شوروی » تصریح شده است که : « اززمان جلسه‌مشاوره سال۱۹۶۰مدت زیادی گذشته است و یك سلسله مسائل حاد و مبرم دربرابر ما است که تنها از طریق مشورت جمعی احزاب‌برادرمیتوان آنهارا بررسی‌وحل کرد» .

در « اعلامیه بوروی کمیته مر کزی حزب‌توده‌ایران ، مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۴ گفته شده‌است که: « بهترین و آزموده ترین طریق برای حصول توافق ، ایجاد نظر مشترك و از بین بردن اختلافات در صفوف جنبش‌جهانی کمونیستی‌همانا‌تشکیل‌جلسه‌مشاوره نمایندگان‌احزاب کمونیست و کارگری‌است».

حزب توده ایران موافقت خود را با دعوت‌جلسه مشورتی‌احزاب برادر اعلام‌میدارد و به سهم خود برای کامیابی جلسه جهانی جدیدنمایندگان‌احزاب کمونیست و کارگری خواهد کوشید .

حزب‌ما بر آنست که تدارك‌وبر گزاری جلسه مشاوره بایدبر پایه کوشش برای انجام وظائف‌مبنیه جنبش‌جهانی کمونیستی وتحکیم اتحاد تمام نیرو های ترقیخواه و دمو کراتیك و تقویت مبارزه آنان علیه امپریالیسم انجام گیرد ، حزب ما با این نظر که از طرف اکثریت احزاب برادر بارها ابراز شده و همواره مورد تأیید کامل‌مابوده است موافقت دارد که هدف جلسه مشاوره مداخله در اموروجهٔ حزب‌برادر و بویژه « بر کناری» هیچ حزبی از جنبش کمونیستی نیست .

هدف اصلی و شعار عمده این جلسه باید تحکیم جنبش جهانی کمونیستی برای مبارزه مؤثر علیه امپریالیسم و دفاع ازمصالح حیاتی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و جنبشهای آزادیبخش خلقها باشد .

ما اعتقاد راسخ داریم که جلسه‌مشورتی احزاب برادر با مصالح تمام نیرو های انقلابی و ترقیخواه مبارز راه آزادی و استقلال و کلیه مبارزان‌ضد امپریالیسم‌مطابقت کامل‌دارد.

دنباله از صفحه ۱

سالگرد حکومت خلق در یوگوسلاوی

سوسیالیستی بادشواریها ومشکلات گوناگونی روبرو بوده و هستند . ولی آنها علیرغم این دشواریها توانسته اند با مبارزه پیگیر خود طی دوران کوتاه بیست سال یوگوسلاوی را از یك کشور عقب مانده به سطح یك کشور پیشرفته سوسیالیستی برسانند .

دشواری های ساختمان سوسیالیسم در یوگوسلاوی هنوز پایان نرسیده است. بهمین جهت حزب و دولت میکوشند با رفرمها و اقدامات مشخص در زمینه های اقتصادی و اجتماعی ، صنعت و کشاورزی یوگوسلاوی را مدرنیزه کنند ، سطح زندگی مردم را بازهم بالا ببرند و دموکراسی سوسیالیستی را بیش از پیش بسط دهند .

ما سالگرد استقرار حاکمیت خلق را در یوگوسلاوی به مردم و جامعه کمونیستهاو دولت‌جمهوری‌سوسیالیستی‌فدراتیویو گوسلاوی صمیمانه تبریك میگوئیم و موفقیت روز افزون آنها را در ساختمان سوسیالیسم‌خواستاریم .

صورت گرفته است در تاریخ بی نظیر است. در تاریخ هیچ حزبی مانند حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیچ دولتی‌مانند اتحاد جماهیر شوروی چنین نقش عظیم و مترقیانه ای در زندگی بشری نداشته است. در نیمقرن اخیر هیچ حادثه ای در روی رشد و تکامل سیاسی و معنوی میهن ما بیش از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تأثیر نداشته است .

زندگی ومبارزه کارگران وزحمتکشان ایران درطول نیمقرن با اکثیر پرر کشرابطهٔ ناگسستنی داشته است . حزب ما وارث سنن انقلابی خلقهای میهن ما و مظهر بهترین آرزوهای طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش دوستی خلل ناپذیر و پیوند ناگسستنی خودرا با حزب کمونیست اتحاد شوروی که بر پایهٔ سنگ خارای مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری قرار دارد بمثابه یکی از بهترین سنت های انقلابی خود پیوسته حفظ کرده و در آینده حفظ خواهد نمود .

نکته ها

کوسهٔ ریش پهن

در تلاش برای مبتذل کردن لفظ « انقلاب » مجله «تهران اکونومیست» گام مهم جدیدی برداشته است و برای شرح بر اعمال مترقی تاجگذاری شاه عنوان « تاجگذاری انقلابی » را انتخاب کرده است ! اگر قرار باشد تاجگذاری یك شاه انقلابی باشد پس «بهمین سبك بدیع «تهران اکونومیست» میتوان گفت : «ارتجاع انقلابی» «استعمار انقلابی» و بالاخره «ضد انقلاب انقلابی» !

نقیض گوئی یك متملق

آقای امیرانی با نوشتن جملهٔ : « این تاجگذاری تنها خاص شاه ما نیست ، تاجی بر تارك دنیا و تاریخ است » در واقع رکورد چاپلوسی را شکسته و دست موجوم ظهیر الدین فاریابی را که نه کرسی فلك را زیر پای قزل ارسلان گذاشته بود از پشت بسته است !

همین نویسنده متملق در شماره دیگر خودشیفتها متمن وصف لوزیع نشان تاجگذاری مینویسد: «بجلبهٔ ما باین ترین نشانها چون از طرف پادشاه کشور است برای بالا ترین مقامات بالا ترین است » ولی از این اعتقاد چگونه میتوان بهره مند شد و آنرا نشانی داد در حالیکه پست ترین سینه ها به بهترین نشانها آراسته باشد . شاید بهمین مناسبت است که تعقل ما بین نشانها ، سینهٔ صاف و ساده و بی ادا و قش خود را به سینه ای که سراسر نشان باشد و از شایستگی و لیاقت در آن کوچکترین نشانی نباشد ، ترجیح میدهند .»

باید از این آقای متملق پرسید چگونه تاج کسی که نشانش پست ترین ، تا شایسته ترین و لایق ترین سینه ها را میآراید ، تاجی است بر تارك تاریخ و آیا اصلا تاج مدرج شاهان لیاقت آنرا دارد که بر تارك تاریخ گذارده شود ؟

بدون تفسیر

تهران اکونومیست در شمارهٔ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۴۶ خود مینویسد :

«هم اکنون موقعیت ایران در جهان ملاطم امروز منحصر بفرد است بنحوی که شرق و غرب برای اولین بار در طول تاریخ رهبری ایران را در خاور میانه و کشور های اسلامی و آسیائی و افریقائی قبول دارد و اگر این نقش رهبری هنوز بصورت کامل و عالی خود تجلی ننموده است تقصیر آن متوجه برخی از مسئولان کشور های این ناحیه است چه مقام رهبری ایران از لحاظ تعلیم برنامه های اقتصادی و اجتماعی انقلابی که مورد احتیاج دنیای امروز است آشکار است تا آنجا که نه تنها کشور های مشابه بلکه کشور های رفیعه جهان نیز از ما درس میآموزند و بنا بر این شرایط اصلی و اساسی در کشور ما برای رهبری این قسمت از جهان موجود است فقط یك چیز باقی میماند و آن استفاده کشور های ناحیه از این موقعیت ممتاز است.»

دنباله از صفحه ۱

نامه بوروی کمیته مرکزی

دانشجویان ایرانی خارج از کشور ، در تحلیل وضع کشور و ارائه شعار ها و شیوه های مبارزه ، در تأمین وحدت خلقهای ایران در نبرد مشترك علیه استبداد و امپریالیسم، دردفاع ازدموکراسی ایران و شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ، در افشاء و انتقاد از نظریات انحرافی و اشاعه اندیشه رهگر مارکسیسم لنینیسم ، در معرفی دستاورد های کشور های سوسیالیستی ، در مبارزه با امپریالیسم جهانی در دفاع از صلح و از جنبشهای انقلابی و رهائی بخش خلقهای جهان و از آنجمله و بویژه دفاع از نبرد عادلانه و قهرمانانه مردم ویتنام ، ایفاء کرده است .

طی این سالها رادیوی پیك ایران در واقع روزنامه روزانه کبیرالانتشار حزب ما به سه زبان بوده است که هیچگونه دیگرد یلیسی قادر به منع انتشار آن نبود و بهمین مناسبت توانسته نقش تبلیغی ، تهییجی و سازماندهوئزی رادر میان زحمتکشان کشور ما در شرایط تسلط رژیم ترور و اختناق داشته باشد. طی این سالها رادیوی پیك ایران بحق ترین کلیه افرادمترقی و میهن پرست و پانك رسا و آواء پی بند نشر های مختلف مردم ایران بوده و در راه وحدت همهٔ نیرو های ملی و دمو کراتیك کوشیده است . رادیوی پیك ایران را نه تنها در روستا ها و شهر های میهن ما میشناسند و بآن ، علیرغم مشکلات و خطرات موجوده ، با علاقه واعتماد گوش میدهند ، بلکه این رادیو دورتر از مرز های میهن ما شنوندگان فراوان دارد . نام این رادیو در نزد مردم ایران عزیز است و در تاریخ مبارزات حزب ما این نام پیوسته باقی خواهد ماند .

کارکنان رادیوی پیك ایران ازنخستین روز تأسیس آن تحت رهبری کمیته مرکزی حزب توده ایران پیوسته با شور و ابتکار و ایمان عمل کرده اند و در شرایط مختلف اصولیت و اصالت خط مشی خود رامحفوظ داشته و در قبال اتهامات و حملات سیمانه مطبوعات ارتجاعی از مشی حزب خود دفاع کرده اند .

وفقا !

ما برای شما و برای همه رفقائی کمطی دهسال گذشته برای کار موفقیت آمیز رادیوی پیك ایران کوشیده اند و در این فعالیت شرکت ورزیده اند آرزومند موفقیت درمبارزه میباشیم .

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دانشجویان مبارز ! اتحاد در مبارزه بر ضد استعمار و استبداد بزرگترین درسی بود که شهیدان قهرمان ۱۶ آذر با نثار خون خود بما دادند . با کوشش در راه تحقق و تحکیم اتحاد مبارزان ضد استعمار و ضداستبداد، دین خودرا بآنها ادا کنیم

دنباله از صفحه ۱

یادی از جنبش ۲۱ آذر

تحمیل بربان مادری و غیره بخشی از اقدامات مثبت ومترقی حکومت دموکراتیك آذربایجان بود . نیروهای متحده ارتجاع و استعمار این جنبش مترقی را مانند همه جنبشهای مترقی و دموکراتیك شصت سال اخیر تاریخ کشور ما با دده مشی بی نظیری در خون غرق کردند . بسیاری از سران ومجاهدان جنبش بشهادت رسیدند .

ارتجاع ایران بهمراه سرکوب جنبش دموکراتیك آذربایجان جنبش دموکراتیك ملی کرد را که موازی باین جنبش انجام گرفته بود وحمایتها سرکوب کرد و سران محبوب آن محمد قاضی ، صدر قاضی ، سیف قاضی و دیگران را بشهادت رساند . در این روز که ارتجاع ایران خاطره جنایات خود را بصورت جشن و رژه نظامی برپا میدارد ، ما برون شهیدان پاکباز مردم آذربایجان و کردستان که بخاطر آزادی و استقلال ایران و حقوق حقه خلق خود در سنگر ها ، بالای دار ، در میدانهای اعدام در شکنجه خانه ها و در اثر هجوم ترورستهای شاه و توده‌ایها از پای درآمدند درود میفرستیم .

وحدت خلقها ضامن پیروزی آنهاست

اینست عنوان یکی از تراکتهائی که در آستانه پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر از طرف تشکیلات تهران حزب توده ایران پخش شد . در این تراکتها ازپیروزی های درخشان خلق شوروی و حزب کمونیست شوروی تجلیل شده و لنین بزرگ بمثابه پایه گذار و رهبرجاودان حزب کمونیست شوروی و تمام بشریت زحمتکش مورد تجلیل قرار گرفته است . در این تراکتها از اتحاد و یگانگی خلقهای ایران و شوروی که ضامن رهائی مردم ایران از یوغ امپریالیسم و دست نشاندگان آنهاست ابراز خرسندی شده است . موفقیت تشکیلات تهران در مورد پخش این تراکت ها موجب خرسندی است.

می افزاید . ولی عقاب مغرور ترجیح میدهد در اوج اثیر محو شود و برای افزودن چند روزی برعمرخویش، تن به انحطاط لاشخوری ندهد . می گویندمردم با ذوق تهران هنگامی که آقای دکتر نخستین بار از مجلس سنا سر در آورد گفتند: «عقاب لاشخور شد»

و اینك این ادیب و شاعر در جادهٔ انحطاط به منتهای حضیض رسیده است . نه قطعانشار «تاج نامه» بلکه دشنام گوئی بخاطرهٔ نویسندهٔ بزرگ صادق هدایت بخاطر نوازش خاطر شاه خود بکی دیگر ازعلائم مقدم این انحطاط است .

انحطاط

اخیراً آقای دکتر پرویز خانلری استاد دانشگاه ، سناتور ، وزیر سابق فرهنگ، معلم دربار بمناسبت تاجگذاری شاه عنوان ، بضمیمه مجله « سخن » ویژه نامه‌ای مزین و مصور بنام « تاج نامه » نشر داده است تا در غوغای چاپلوسی از شاه مستبد وی نیز بانگ خودرا بلند کرده باشد . در مقدمه این ویژه نامه آقای خانلری مطالبی تملق آمیز نوشته و کوشش شده است تا کراهت این تملق را زیبائی خط نستعلیق فرو پوشاند . در این مقدمه از جمله چنین می خوانیم ، اهمیت آئین تاجگذاری تا آن درجه بود که در شاهنامه هر جا که نام شاهی تازه بمیان میآید فصلی به ذکر این آئین و سخنان شاهان در طی مراسم آن اختصاص یافته است . این سخنان شاهانه که روحیه ملی ایرانیان را منعکس می کند در خور آنست که جداگانه مورد توجه و مطالعه قرار گیرد . جشن فرخنده تاجگذاری اعلیحضرت همایون محمد رضاپهلوی شاهنشاه آریا مهر و علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی گرامی ایران یك بار دیگر این آئین پر افتخار کهن را تو می کند و ایران امروز را با اعتبار گذشته پیوند میدهد.»

این مطالب را آقای خانلری در آبان ۱۳۴۶ نوشته‌اند، ولی در مهر ماه ۱۳۲۵ همین شخص در مجله «مردم» از کان تئوریك حزب توده ایران تحت عنوان « مهر گان نو » مطالب دیگری مینوشت . عبارات او را از صفحه ۷ شماره ۱ نامهٔ مردم نقل می کنیم :

« امسال جشن مهر گان ناگهان جلوه گر شده است . حزب تودهٔ ایران روز تأسیس خود را با این جشن کهن تطبیق کرده و پس از قرنها ، پیری کهنسال را که همه مردمش میدانستند ، جوانی بخشیده است . اما مهر گان امسال رنگ دیگر دارد . «جشن میران و خسروان » اکنون نزد افراد ایران بیهمانی آمده است. این تغییر رنگ رانشانهٔ تحول تازه‌ای درجامعه ملت ایران باید شمرد. افراد ملت ما افسراد رنج کشیده و محروم ، اکنون از جشن مهر گان ، جشن میران و خسروان ، نصیبی دارند . . . مهر گان نوجشن جنبش و کوشش روح ملی ماست . در این جشن دلها با پنجه‌های درخشان امیدوار است . مهر گان نو فرخنده باد ! »

بدین ترتیب آقای خانلری در ۱۳۲۵ نیکو میشمرد که به تجلیل آن سنتی بپردازد که یك حزب انقلابی بسود توده ها احیاء می کند و در سال ۱۳۴۶ نیکو میشمرد که به تجلیل آن سنتی بپردازد که یك دربار مستبد بسودشرافیت و ارتجاع برپامیدارد و از ایفاء این نقش سرا پا بنا متناقض احساس ناراحتی و جدانی نیز نمی کند. آقای خانلری سراپنده قطعهٔ بسیارزیبای «عقاب» است ، عقابی برای داشتن عمر دراز نزد کلاغی میرود . کلاغ او را به ساحل یك مرداب متعفن می کشاند وآن مردابرا بنامیه «خوان الوانی» توصیف می کند که بهره متعدی از آن بر طول عمر